

تفسیر تاریخی قرآن کریم*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و ابوالحسن مؤمن نژاد***

چکیده

قرآن کتاب هدایت و سعادت انسان می باشد و برای رسیدن به این هدف مهم از علوم مختلف به عنوان ابزار استفاده کرده است؛ از جمله این علوم، علم تاریخ می باشد که در قرآن به شکل های گوناگونی از جمله سرگذشت انبیاء و اقوام گذشته، آداب و رسوم جاهلی، حوادث زندگی پیامبر اسلام ﷺ و جامعه اسلامی به کار رفته است. در این نوشتار، تلاش شده است تا به برداشت های مختلف از رابطه قرآن و تاریخ اشاره و مفهوم مورد نظر در بحث تفسیر تاریخی قرآن (مکتب تاریخی قرآن) تبیین شود. در ادامه به دو مبحث مهم مبانی (عام و خاص) و روش شناسی تفسیر تاریخی قرآن از جمله روش ترتیبی و موضوعی به شکل سنتی (درون متنی)، شهید صدر (برون متنی)، میان رشته ای و تطبیقی اشاره شده است. گونه شناسی آیات تاریخی قرآن، بررسی شرایط اعتبار منابع تاریخی برای استفاده در تفسیر قرآن و سنت های الهی حرکت تاریخ از مهم ترین مسائلی است که در این نوشتار به آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر تاریخی، مبانی، روش شناسی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۴/۱

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه: rezaee@qurancs.com

*** هیئت علمی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول): amomennejad@yu.ac.ir

مقدمه

قرآن کتاب هدایت است و از علوم و دانش‌های مختلف برای رسیدن به هدف‌های تربیتی خود استفاده می‌کند؛ از این‌رو، طبیعی است که «تاریخ» نیز به عنوان ابزاری مناسب در جهت رسیدن به هدف‌های مذکور مورد توجه قرار گیرد.

در قرآن نمونه‌های تاریخی فراوانی به چشم می‌خورد، اما در همه آنها هدف خاصی دنبال می‌شود و در ضمن آنها مبادی حرکت تاریخ به عنوان سُنَن مطرح می‌گردد. بعضی از وقایع تاریخی به اجمال بیان شده و برخی دیگر به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. این می‌رساند که منظور قرآن تاریخ نگاری نیست، بلکه به آن قسمت از رویدادها توجه دارد که به هدایت‌گری و هدف‌های تربیتی قرآن کمک کند؛ چنان که در آیات ذیل به این واقعیت اشاره شده است:

﴿وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَمَوْعِظُهُ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (هود/ ۱۲۰)؛ «اخبار پیامبران را بر تو حکایت می‌کنیم تا قلبت را با آن استوار سازیم و در آن حق و موعظه و تذکر برای مؤمنان به سوی تو آمده است».

﴿فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (اعراف/ ۱۷۶)؛ «داستان‌ها را حکایت کن شاید آنان اندیشه کنند».

قرآن از تاریخ به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف‌های تربیتی خود استفاده می‌کند و می‌خواهد سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ را در قالب این نمونه‌های تاریخی ارائه دهد؛ سنت‌هایی که محرک سیر تاریخ بشری است.

لازم به ذکر است که اگر چه قرآن به محتوای قصه آن هم به سبب هدف‌های معنوی توجه دارد، در عین حال قصه را در قالب زیباترین شکل ممکن و با تکنیک خاص داستان‌نویسی بیان می‌کند و به سبب همین ارتباط ارگانیک عمیق میان شکل و محتواست که می‌توانیم بگوییم، داستان‌های قرآن یک معجزه مزدوج است (جعفری‌نیا، بینش تاریخی قرآن، ۱۳۶۶: ۵۳).

مفهوم‌شناسی تاریخ

تاریخ در لغت به معنای نوشتن کتاب و وقت پدید آمدن چیزی است و در اصطلاح عبارت است از تعیین کردن زمان ابتدای امر عظیم و قدیم (ر.ک: دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تاریخ) و زمان چیزی را معین کردن، سرگذشت‌ها و حوادث پیشینیان (ر.ک: معین، فرهنگ فارسی معین، ۱۳۷۵: ذیل واژه تاریخ).

شهید مطهری درباره معنای اصطلاحی تاریخ می‌گوید: تاریخ را سه گونه می‌توان تعریف کرد. در حقیقت سه علم مربوط به تاریخ می‌توانیم داشته باشیم که با یکدیگر رابطه نزدیک دارند:

۱. علم به وقایع، حوادث و اوضاع و احوال انسان‌ها در گذشته، در مقابل اوضاع و احوالی که در زمان حال وجود دارد. ما این نوع تاریخ را «تاریخ نقلی» اصطلاح می‌کنیم.
۲. علم به قواعد و سنن حاکم بر زندگی‌های گذشته که از مطالعه، بررسی و تحلیل حوادث و وقایع گذشته به دست می‌آید. آنچه محتوا و مسائل تاریخ نقلی را تشکیل می‌دهد، به منزله «مبادی» و مقدمات این علم به شمار می‌رود. ما تاریخ به این معنا را «تاریخ علمی» اصطلاح می‌کنیم.

۳. فلسفه تاریخ؛ یعنی علم به تحولات و تطورات جامعه‌ها از مرحله‌ای به مرحله دیگر و قوانین حاکم بر این تحولات و تطورات؛ به عبارت دیگر علم به «شدن» جامعه‌ها نه «بودن» آنها (مطهری، جامعه و تاریخ، ۱۳۸۹: ص ۹-۶۷).

در قرآن کریم یک سلسله قوانین کلی به صورت قضایای شرطی بیان شده که تبیین کننده حوادث تاریخ است؛ برای نمونه، مضمون آیه ۱۰ تا ۱۳ فجر چنین بیان می‌دارد که اگر در جامعه‌ای فساد رواج پیدا کند و اکثر مردم با فاسدها باشد، تازیانه عذاب خدا بر آن جامعه فرود خواهد آمد و آن جامعه متلاشی خواهد شد. نمونه دیگر مضمون آیه ۱۱۲ نحل است که می‌گوید: «رفاه زدگی در یک جامعه باعث دوری از خدا و ارزش‌های معنوی و کفران نعمت الهی می‌شود و آن هم به سقوط و بدبختی آن جامعه منتهی می‌گردد».

از این گونه قضایا در قرآن فراوان است. قرآن کریم از این قضایا به عنوان «سنن» یاد کرده و آنها را به تمام جوامع بشری تعمیم داده و از مردم خواسته است که به این «سنن» جاریه الهی توجه کنند و در ساخت جامعه خود از آن بهره گیرند و بیان داشته که در این سنت‌ها تبدیل و تحویل راه ندارد (اسراء/ ۷۷؛ احزاب/ ۶۲؛ فاطر/ ۴۳ و فتح/ ۲۳).

پیشینه

در زمینه رابطه قرآن و تاریخ و تفسیر تاریخی قرآن تاکنون تحقیقات گوناگونی انجام شده است. از ابتدای نزول قرآن مباحثی تحت عناوین مکی و مدنی، اسباب و شأن نزول، ترتیب نزول و ناسخ و منسوخ مطرح بوده است که بیانگر نقش مسائل تاریخی و حوادث زمان نزول در فهم قرآن می‌باشند و تقریباً تمامی تفاسیر در تفسیر آیات تاریخی قرآن که

مربوط به شرائط و حوادث زمان نزول قرآن هستند، به این دسته از روایات و گزارش‌های تاریخی توجه نموده و از آنها استفاده کرده‌اند. کتاب‌هایی که با عنوان اسباب النزول نگارش یافته‌اند در واقع به تحلیل رابطه آیات قرآنی با حوادث زمان نزول پرداخته‌اند مانند اسباب النزول واقدی، سیوطی، غازی عنایه، حسن حیدر، سید محمد باقر حجتی. این کتاب‌ها اگر چه به تفسیر آیات با استفاده از روایات و گزارش‌های اسباب نزول کمک می‌کند ولی دارای ایرادات و نواقصی هستند از جمله: اولاً برخی از این گزارشات دقیق و صحیح نیستند و نیاز به کار دقیق روایی و تاریخی دارند ثانیاً مفاهیم قرآنی را نمی‌توان منحصر به همان موارد نزول کرد بلکه باید با الغای خصوصیت پیام عمومی و جاودانی آن را استخراج کرد و در هر عصری آن پیام را بر موارد مشابه انطباق داد ثالثاً برخی از آیات دارای سبب نزول خاصی نیستند که با این روش نمی‌توان آنها را تفسیر و تحلیل کرد.

از اواسط قرن ۱۹ میلادی خاورشناسان به ترجمه قرآن بر اساس ترتیب نزول و تألیف آثاری درباره تاریخ قرآن دست زدند از جمله: مویر (muir) خاورشناس انگلیسی در کتاب زندگی پیامبر ﷺ و کتاب قرآن، ترکیب و تعلیمش، ویل (weil) خاورشناس آلمانی در کتابی به نام مقدمه تاریخی - انتقادی قرآن، نولدکه (noldeke) خاورشناس آلمانی در کتاب تاریخ قرآن، هرشفلد (hirschfeld) در اثری به نام تحقیقی تازه درباره ترکیب و تفسیر قرآن و بلاشر (blachere) خاورشناس فرانسوی در کتاب در آستانه قرآن. مهمترین ایراد این محققان غربی آن است که با مبانی خود به تحقیق و تفسیر قرآن دست زده‌اند و برخی نیز وحیانی بودن قرآن را قبول نداشتند (مانند مویر که ۱۸ سوره قرآن را پیام الهی ندانسته است) ضمن آنکه آنان بیشتر به روایات اسباب نزول و مکی و مدنی و سیره تکیه کرده‌اند (نکونام، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ۱۳۸۰: ۱۰-۲۲).

در سال‌های اخیر که حوزه تفسیر قرآن توسعه پیدا کرده و ارتباط قرآن با سایر علوم مورد توجه محققان قرار گرفته است، تحقیقاتی درباره قرآن و تاریخ و تحلیل مباحث تاریخی قرآن صورت گرفته است مانند: الآثار و التاريخ اثر خالد فائق العبیدی که به تحلیل تاریخ زندگی پیامبرانی مثل نوح ﷺ، لوط ﷺ، موسی ﷺ و سرگذشت بنی اسرائیل بر اساس آیات قرآنی پرداخته است. تلاش وی بر این بوده است که بیان سرگذشت انبیاء گذشته را در قرآن نشانه اعجاز غیبی قرآن بداند. آقای عبدالرحیم گواهی در کتابی با عنوان درآمدی بر تاریخ ادیان در

قرآن به بررسی تاریخ ادیان و مباحث مربوط به دین و رابطه با ادیان دیگر (اهل کتاب) با تکیه بر قرآن پرداخته است. اثر دیگر در این زمینه کتاب بررسی تاریخی قصص قرآن تألیف دکتر محمد بیومی مهران استاد تاریخ دانشگاه اسکندریه می‌باشد که توسط آقای سید محمد راستگو به فارسی ترجمه شده است. در این کتاب به بررسی داستان پیامبران از حضرت ابراهیم (علیه السلام) به بعد پرداخته و آنها را ارزیابی تاریخی کرده است.

از جدیدترین آثار در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سنت‌های تاریخی در قرآن اثر دانشمند شهید سید محمد باقر صدر؛ در این کتاب نویسنده ضمن اشاره به روش‌های تفسیری قرآن، روش تفسیر موضوعی را ترجیح می‌دهد و سپس به نمونه‌هایی از سنت‌های تاریخ در قرآن اشاره می‌کند و نقش انسان را در حرکت تاریخ مورد تأکید قرار می‌دهد. شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ با اشاره به تعریف تاریخ و انواع آن و نقد نگاه مادی به تاریخ، با تکیه بر آیات قرآنی به تبیین دیدگاه اسلام می‌پردازد و انسان را سازنده تاریخ و شخصیت جامعه می‌داند. آقای یعقوب جعفری در دو کتاب خود به موضوع قرآن و تاریخ پرداخته است: بینش تاریخی قرآن؛ در این کتاب نویسنده به نحوه استفاده قرآن از قصص و مسائل تاریخی در جهت هدایت و تربیت اشاره کرده و به نقد دیدگاه‌ها درباره فلسفه تاریخ با تکیه بر آیات قرآنی می‌پردازد. ایشان در کتاب دیگر خود به نام تاریخ اسلام از منظر قرآن کریم با استفاده از آیات قرآن به تحلیل اوضاع تاریخی جاهلیت، زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ولادت تا بعثت و هجرت و جنگ‌ها و حوادث مهم دیگر می‌پردازد. دکتر جعفر نکونام در کتاب درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن به ضرورت پرداختن به تاریخ‌گذاری واحدهای نزول قرآن و تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول اشاره می‌کند و معتقد است که تمام آیات قرآنی بر اساس حاجات و شرایط عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است و بدون آگاهی از شرایط تاریخی نزول قرآن فهم درست تعالیم قرآنی ممکن نیست. ایشان در ادامه به مبانی، منابع و دشواری‌های این کار اشاره می‌کند، همچنین ایشان در مقاله‌ای با عنوان تفسیر تاریخی قرآن با اشاره به فواید، مبانی و راهکارهای تفسیر تاریخی یا ترتیب نزول قرآن را تحلیل و از آنها دفاع نموده است و روش‌های تفسیر تاریخی قرآن را به ۴ دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: تفسیر سوره‌ای، آیه‌ای، موضوعی و واژه‌ای (نقد و بررسی دیدگاه ایشان در ادامه می‌آید). همچنین محققانی که کتاب‌هایی با عنوان روش‌ها و گرایش‌های تفسیری نگاشته‌اند به منابع تاریخی به عنوان یکی از منابع تفسیر قرآن اشاره کرده‌اند البته به شرط قدمت و صحت و هماهنگی با قرآن.

اگرچه زحمات محققانی که در زمینه ارتباط قرآن و تاریخ و تفسیر تاریخی قرآن به آنها اشاره شد قابل تقدیر است ولی با توجه به پیشرفت علوم و ارتباط تنگاتنگ آنها با زندگی بشر و ضرورت تحقیقات میان‌رشته‌ای خصوصاً رابطه علوم با قرآن، خلأ تحقیقات عمیق و دقیق درباره ارتباط تاریخ با قرآن و تفسیر تاریخی قرآن احساس می‌شود. در این نوشتار برآنیم که این نوع از رابطه و تفسیر را بیشتر مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم.

روش‌شناسی تفسیر قرآن

همان‌گونه که تفسیر عمومی قرآن با روش‌های متعدد صورت می‌گیرد، تفسیر تاریخی را نیز می‌توان با استفاده از شیوه‌های گوناگون انجام داد. در حوزه تفسیر عمومی روش‌هایی مانند قرآن به قرآن، روایی، عقلی، علمی، اشاری و اجتهادی جامع وجود دارد. در حوزه گرایش‌ها نیز گرایش اجتماعی، تربیتی، سیاسی، اخلاقی و ... هست (روش‌های تفسیر قرآن، ۱۲ به بعد؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۴۹ به بعد). در تفسیر تاریخی از همه روش‌های مجاز، غیر از روش تفسیر به رأی می‌توان بهره برد. مهم‌ترین شیوه‌های تفسیری عبارت است از:

۱. **ترتیبی:** شیوه تفسیر ترتیبی آن است که مفسر، آیات هر سوره را به ترتیب چینش (مصحف یا نزولی) تفسیر کند. (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۶: ۲/ ۳۸۱) این شیوه که کهن‌ترین روش تفسیر قرآن می‌باشد، بدین شکل انجام می‌گیرد که مفسر از ابتدای قرآن به ترتیب سوره‌ها به تفسیر و تحلیل آیات قرآن می‌پردازد تا به آخر قرآن برسد.

۲. **موضوعی:** تفسیر موضوعی آن است که مفسر، آیات مربوط به یک موضوع را گردآوری کرده، با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، آنها را قرینه تفسیر همدیگر قرار می‌دهد و نظر نهایی قرآن را در مورد آن موضوع روشن می‌سازد (همان). در این روش، مفسر قرآن را بر اساس موضوعات تفسیر می‌کند و به تفسیر همه سوره‌ها و یا همه آیات نمی‌پردازد، بلکه فقط آیات مربوط به موضوع مشخص شده را مورد بررسی قرار می‌دهد. شهید صدر در تعریف تفسیر موضوعی می‌نویسد: «در روش تفسیر موضوعی، آیات قرآن تقطیع نمی‌شود و بررسی آیات به طور مسلسل یعنی آیه به آیه و مرتب انجام نمی‌گیرد؛ بلکه مفسر موضوعی می‌کوشد تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی، اعتقادی، اجتماعی و جهانی که قرآن متعرض آن شده متمرکز سازد و درباره آن موضوع از قرآن

استفاده کند. برای مثال عقیده به توحید یا سنت‌های تاریخ یا کیفیت تکوین آسمان و زمین و این‌گونه مسایل را در قرآن مورد مطالعه قرار می‌دهد» (همان، ۸۶/۲). این شیوه خود به چند روش قابل اجرا خواهد بود:

الف) شیوه مشهور و سنتی (درون متنی): این روش که از قدیم در میان مفسران مشهور بوده است، به این شکل انجام می‌شود که مفسر موضوعی را که در قرآن به کار رفته باشد، انتخاب کرده، سپس آیات مربوط به آن را (موافق و مخالف) استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

ب) شیوه شهید صدر (برون متنی): در این شیوه، موضوعات جدید در عرصه علوم مختلف بر قرآن عرضه می‌شود و نظر قرآن درباره آن موضوع استخراج می‌گردد.

ج) میان‌رشته‌ای: منظور از رشته در اینجا، رشته‌های مرتبط با موضوعات و مسایل تفسیر و علوم قرآنی است؛ یعنی یک مسئله از منظر دو دانش مورد بررسی قرار می‌گیرد. چون بررسی بسیاری از موضوعات قرآنی چند تباری است، لازم است به صورت میان رشته‌ای مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرند (همان، ۶۱/۳). مراحل انجام این روش عبارت است از: انتخاب موضوع مشترک میان قرآن و یکی از علوم انسانی یا طبیعی، بررسی موضوع به شیوه تفسیر موضوعی درون قرآنی، بررسی موضوع در علم مورد نظر، بررسی موارد موافق و اختلافی، تحلیل و نقد، نظریه‌پردازی (تولید علم جدید). این روش قابل استفاده در زمینه تفسیر تاریخی قرآن می‌باشد.

د) تطبیقی: شیوه تطبیقی یعنی شناخت یک پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه (فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق) (همان، ۵۳/۳) این روش نیز در زمینه تفسیر تاریخی قرآن قابل استفاده می‌باشد.

رویکردهای تفسیر تاریخی

۳۵

درباره تفسیر تاریخی قرآن سه رویکرد مهم وجود دارد.

۱. توضیح و تفسیر آیات تاریخی قرآن

ساده‌ترین روش آن است که مفسر در تفسیر قرآن آیاتی را که به موضوعی تاریخی اشاره دارد انتخاب می‌کند (مانند آیات مربوط به پیامبران گذشته یا آیات مربوط به رسوم و سنت‌های عرب جاهلی) تکیه بر منابع تاریخی معتبر توضیح می‌دهد، همچنان که برخی از

محققان و مفسران، به ترتیب قرآن، آیاتی را که به موضوعات تاریخی اشاره کرده تفسیر نموده‌اند (تفسیر ترتیبی) یا اینکه آیات تاریخی مربوط به یک موضوع را استخراج، تحلیل و تفسیر کردند (تفسیر موضوعی)، مانند کتاب *تاریخ اسلام از منظر قرآن کریم* نوشته آقای یعقوب جعفری که آیات مربوط به تاریخ اسلام از دوره جاهلیت تا بعثت، هجرت و رحلت پیامبر ﷺ را مورد بررسی قرار داده است. نیز مثل محمد عزة دروزه در کتاب *سيرة الرسول*، صور مقتبسه من القرآن الكريم بر پایه آیاتی از قرآن که راجع به زندگی پیامبر ﷺ می‌باشد، به تحلیل زندگی آن حضرت از ابتدا تا انتها پرداخته است (نکونام، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۰: ۳۶). همچنین کتاب‌هایی که به تحلیل قصه‌های قرآن یا سرگذشت انبیا و اقوام گذشته از منظر قرآن پرداخته‌اند، ذیل این مجموعه قرار می‌گیرند.

این نگاه دارای اشکالاتی است از جمله اینکه اولاً فقط برخی از آیات را که به صراحت به مباحث تاریخی اشاره دارد، مورد بررسی قرار می‌دهد و از تحلیل سایر آیات باز می‌ماند، ثانیاً در این روش دیدگاه نهایی و رویکرد تاریخی قرآن به دست نمی‌آید.

۲. نگاه تاریخی به آیات قرآن (تفسیر بر اساس ترتیب نزول)

این رویکرد خود به دو بخش افراطی و معتدل تقسیم می‌گردد. یک - نگاه افراطی آن است که ما تمام آیات قرآن را فقط از منظر شأن نزول و محدود به حوادث تاریخی زمان نزول تحلیل و تفسیر نماییم که در این صورت قرآن محدود به محیط و شرایط نزول می‌گردد و متأثر از فرهنگ و آداب زمان نزول خواهد بود. اینکه بخشی از آیات قرآن دارای سبب و شأن نزول خاص هستند و بر اساس سؤالات، حوادث و نیازهای مردم عصر نزول قرآن نازل شده است، مورد قبول همه مفسران و محققان می‌باشد، اما افراط در این مسئله به این معنا که تمام قرآن را فقط بر اساس حوادث تاریخی زمان نزول تفسیر کنیم، محدودنگری و ظلم به قرآن می‌باشد.

کسانی که به تفسیر قرآن بر حسب ترتیب نزول اقدام کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. سید عبدالقادر ملاحویش آل غازی در تفسیر بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول؛
۲. محمد عزة دروزه در تفسیر التفسیر الحديث علی حسب ترتیب النزول. وی در خصوص مزیت چنین تفسیری از قرآن می‌نویسد: ما بر آن شدیم که ترتیب تفسیر را بر وفق ترتیب نزول سوره قرار دهیم ...؛ زیرا معتقدیم چنین روشی برترین روش فهم قرآن و خدمت بدان است (دروزه، تفسیر الحديث، ۱۳۸۳: ۸/۱)؛

۳. مهندس مهدی بازرگان در کتاب *سیر تحول قرآن و کتاب تحلیلی - تاریخی پا به پای قرآن* (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۵۱۹/۲ - ۵۲۵)؛

۴. جعفر نکونام در کتاب *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*. وی در این باره می‌نویسد: اغراق نیست اگر گفته شود که تمام قرآن به تناسب حاجات فکری و عملی مخاطبان عصر نزول اعم از مشرکان بت پرست و اهل کتاب یهود و نصاری در مکه و مدینه نازل شده است و به تعبیر دیگر، تمام آیات قرآن اسباب نزول دارد (نکونام، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ۱۳۸۰: مقدمه).

از جمله اشکالاتی که برای این تفسیر گفته اند این است که این شیوه، خطر تفسیر به رأی را به دنبال دارد (مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۷۶: ۱۵۷/۲)؛ زیرا هر چند شواهد یقینی تاریخی در فهم کامل برخی از موضوعات مطرح در آیات تاریخی قرآن مؤثر است، این شواهد در صورتی یقینی است که به طور متواتر نقل شده باشد یا دست کم به اندازه خبری موثق اعتبار داشته باشد؛ بنابراین، نمی‌توان به هر نقلی اعتماد کرد و بر اساس آن به تفسیر پرداخت. آیت الله معرفت در نقد این نوع تفسیر می‌نویسد: پی بردن به ترتیب نزول سور، کاری آسان و در دسترس است و چنان که در بحث از نزول قرآن بیان کرده‌ایم، تاریخ به خوبی آن را ضبط و ثبت کرده است. ولی رعایت ترتیب نزول سور، هیچ‌گونه ارتباطی در فهم معانی آیات قرآن ندارد؛ زیرا همین اندازه که معلوم باشد هر سوره، مکی است یا مدنی؛ در اوایل بعثت نازل شده یا اواخر آن؛ در سال‌های نخست هجرت نازل شده یا اواخر آن یا اینکه در کجا و درباره چه نازل شده است، در فهم معانی آیات آن سوره مؤثر است؛ چه سوره را در صدر کتاب تفسیری خود قرار دهیم چه در ذیل آن؛ در صدر و ذیل قرار گرفتن سوره - نوشتار - ربطی به فهم معنا و درک مقاصد آن ندارد. عمده شناخت موقعیت نزولی سوره است؛ هر کجای مصحف بوده باشد (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۵۲۰/۲).

۳۷

دو - نگاه معتدل همان است که اغلب مفسران در تفسیر آیات به اسباب نزول معتبر، روایات ترتیب نزول آیات و روایات مکی و مدنی نیز توجه می‌کنند و با استفاده از روایات و گزارش‌های معتبر شأن نزول به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. در این روش با وجود اینکه قرآن خود یک سند معتبر تاریخی برای حوادث و وقایع به شمار می‌رود، ولی برای فهم بهتر و دقیق‌تر آن مراجعه به منابع معتبر تاریخی نیز ضروری است.

۳. مکتب تاریخی قرآن

این رویکرد که نگاه جدیدی به تفسیر تاریخی قرآن می باشد و در واقع، نوعی تحقیق بین رشته‌ای به شمار می‌رود، به استنباط نظام آیات تاریخی قرآن می‌پردازد. اگرچه قرآن کتاب تاریخ نیست، ولی برای رسیدن به اهداف تربیتی و انسان‌سازی خود به بیان نکات گوناگون و مهمی از تاریخ گذشتگان پرداخته است و هدف اساسی از بیان آنها را عبرت‌گیری انسان‌ها دانسته است ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ...﴾ (یوسف/ ۱۱۱) و نیز مکرر ما را به سیر و تفکر در آثار و احوال گذشتگان دعوت می‌کند (آل عمران/ ۱۳۷؛ انعام/ ۱۱؛ روم/ ۴۲ و حج/ ۴۶). در واقع، تفسیر تاریخی به شیوه‌ای از تفسیر گفته می‌شود که بیانگر نقل و گزارشی کامل از جنبه تاریخی قرآن با تکیه بر اسباب نزول و زمینه‌های تاریخی است (قرآن و مستشرقین، ۲/ ۱۰۰). در این روش، مباحثی از قبیل مبانی، قلمرو، روش و اهداف قرآن از بیان مسائل تاریخی مورد بررسی می‌گیرد. در این نوشتار، منظور ما از تفسیر تاریخی قرآن همین معناست و تلاش می‌کنیم به بررسی مبانی مهم و روش تفسیر تاریخی قرآن و تحلیل مکتب تاریخی قرآن بپردازیم.

مبانی تفسیر تاریخی قرآن

فهم و تفسیر صحیح قرآن بر اصول و پایه‌هایی استوار است که به عنوان پیش‌فرض‌های بنیادین در تفسیر مطرح می‌شوند. غفلت از این مبانی، باعث می‌شود که مفسر به مفاهیم واقعی کلام الهی دست نیابد و دچار تفسیر به رأی گردد. محققان و مفسران به شکل‌های گوناگونی به بیان مبانی تفسیر قرآن پرداخته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

الف) مبانی عام

۱. وحیانی بودن قرآن: ﴿وَإِنِّهٖ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ﴾ (شعراء/ ۱۹۲-۱۹۴)؛
۲. تحریف ناپذیری قرآن: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/ ۹)؛
۳. حکیمانه بودن قرآن: ﴿ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران/ ۵۸)؛ ﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ (یونس/ ۱)؛
۴. حجیت ظواهر قرآن؛

۵. هماهنگی آموزه‌های قرآن با فطرت انسان: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ الْإِنْسَانَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم/ ۳۰)؛
۶. وجود ساختار چند معنایی برای آیات قرآن؛
۷. امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن؛
۸. انسجام و پیوستگی آیات قرآن؛
۹. وجود نص و قرائت واحد برای قرآن؛
۱۰. جامعیت قرآن (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۲۵-۱۷۳؛ مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۱۳۹۰: ۴۹).

ب) مبانی خاص

یک - آگاهی و تسلط بر علوم قرآنی

۱. مبحث نسخ: آیا آیات منسوخ در قرآن وجود دارد؟ اگر وجود دارد، چه تعداد و کدام آیات است؟
۲. مبحث قرائات: آیا غیر از متن متواتری که از پیامبر ﷺ نسل به نسل به دست ما رسیده است، قرائات دیگر نیز متواتر یا حجت است یا اخباری آحادی است که اعتبار ندارد؟
۳. مبحث اسباب النزول: آیات اسباب النزول در فهم و تفسیر قرآن مؤثر است؟ آیا اسباب النزول موجب تقیید آیه به مورد نزول می‌شود؟ در موارد تعارض اسباب نزول چه باید کرد؟ (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۵۶)

دو - تخصص در علم تفسیر

مفسر علاوه بر فراگیری و تسلط در علوم قرآنی، باید در خصوص تفسیر و شیوه‌های تدوین آن تبحر کافی داشته باشد تا بتواند اهداف قرآن را از لابه‌لای آیات به دست آورد. آشنایی با منابع معتبر، روش‌های مهم تفسیر، آفات و آسیب‌های تفسیر برای یک مفسر ضروری است.

سه - تخصص در علم تاریخ

کسی که می‌خواهد به تفسیر تاریخی قرآن بپردازد، افزون بر موارد بالا باید هم به تاریخ قبل از نزول قرآن (دوره جاهلی)، تاریخ نزول قرآن (تاریخ قرآن)، تاریخ زندگی پیامبر ﷺ و نیز آداب و سنن جامعه‌ای که مخاطبین اولیه قرآن بودند، آگاهی کامل داشته باشد و هم به مبانی و اصول تاریخ از منظر قرآن آگاهی داشته باشد. شناخت منابع اصلی و قدیمی و معتبر درباره مباحث تاریخی قرآن لازمه این کار است.

گونه‌های مطالب تاریخی قرآن

قبلاً بیان شد که قرآن برای اهداف تربیتی خود به تاریخ انبیا و اقوام گذشته اشاره کرده است؛ لذا در آیات متعددی به مباحث تاریخی پرداخته است. آیات ناظر به تاریخ را می‌توان در چند دسته قرار داد.

الف) آیه‌هایی که ناظر به نسخ یا امضای احکام شرایع پیش از اسلام است.
 ب) آیه‌هایی که درباره سرنوشت پیامبران، امت‌ها، اقوام و شخصیت‌های تاریخی گذشته است؛ مانند آیات مربوط به حضرت ابراهیم (علیه السلام)، یوسف (علیه السلام)، موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) و عقائد نادرست اهل کتاب درباره خدا مانند تثلیث و نیز تحریف کتب آسمانی، شخصیت‌های مثبت مثل لقمان، ذوالقرنین، اصحاب کهف و چهره‌های منفی مانند فرعون و ...
 ج) آیه‌هایی که سنت‌های غلط جامعه جاهلی را نفی کرده یا سنت‌های صحیح یا تحریف شده را احیا یا تصحیح نموده است؛ مانند سنت نسیء (کم و زیاد کردن ماه‌های حرام) (توبه/ ۳۷)، شرک و بت‌پرستی، زنده به گور کردن دختران (نحل/ ۵۸ و ۵۹)، تأیید حرمت ماه‌های حرام و ...

د) آیه‌های که درباره ظهور اسلام و دگرگونی‌های ناشی از آن در طی سال‌های نزول قرآن است (ر.ک: جعفری‌نیا، تاریخ اسلام از منظر قرآن کریم، ۱۳۶۶؛ رضایی اصفهانی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۶: ۳۰۱-۳۰۳).

قرآن کریم در بیان قصه‌های تاریخی روش خاصی دارد که با روش کتاب‌های قصه و تاریخ متفاوت است.

گاهی قصه‌ای به طور مشروح و مفصل ذکر می‌شود مانند داستان حضرت موسی (علیه السلام) که از قبل از ولادت او شروع می‌شود و به طور مشروح ادامه می‌یابد. این قصه و بعضی دیگر از قصه‌ها حتی چندین بار در قرآن تکرار می‌شود، مانند قصه یوسف و ابراهیم و سلیمان و... گاهی هم قصه به طور خلاصه و در جملات کوتاه بیان می‌شود، مانند قصه زکریا، ایوب، یونس و ادریس. بعضی از قصه‌ها هم از نظر تفصیل در حد متوسطی قرار گرفته است، مانند قصه آدم، نوح و مریم.

در قرآن شروع قصه‌ها نیز با یکدیگر فرق دارد. گاهی قصه از زمان ولادت قهرمان داستان و حتی از پیش از ولادت وی آغاز می‌گردد، مانند قصه موسی و عیسی و مریم. گاهی

از دوران جوانی قهرمان داستان شروع می‌شود، مانند قصه ابراهیم که از وقتی آغاز می‌گردد که ابراهیم جوانی بود که تازه به مسائل فکری روی آورده بود و نیز قصه داود از زمانی شروع می‌شود که با جالوت مبارزه کرد و بر او غلبه نمود. گاهی قصه را از درون میانسالی و حتی پیری قهرمان داستان آغاز می‌کند، مانند قصه نوح، شعیب، صالح و لوط ... که قصه اینها پس از رسالت مطرح شده است.

نیز می‌بینیم که بعضی از قصه‌ها در قرآن تکرار شده است، مانند قصه حضرت موسی که در حدود سی مرتبه در قرآن آمده است. البته این تکرارها شامل تمام قصه نمی‌شود، بلکه تکه‌هایی از قصه که با مطالب مورد بحث متناسب است تکرار می‌شود. ضمناً هر قسمتی که تکرار می‌شود همراه با مطلب تازه‌ای است که قسمت تکرار شده، مقدمه‌ای برای بیان آن مطلب است؛ بنابراین، تکرار به آن صورت ملال آور ابداء در قرآن نیست (جعفری نیا، بینش تاریخی قرآن، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

برای تفسیر آیات تاریخی قرآن، نیازمند منابع تاریخی مختلفی هستیم که می‌توان اقسام منابع تاریخی را در بخش‌های زیر خلاصه کرد.

الف) منابع ادیان پیشین، همچون تورات و انجیل و ملحقات آنها (عهدین) که در مورد سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین مطالبی را بیان کرده است. این مطالب می‌تواند گاهی مؤید مطالب قرآن قرار گیرد؛ چنان که در قرآن آمده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ مَّ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء / ۱۲۵)؛ «و به یقین در زبور بعد از آگاه کننده (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام، زمین را به ارث خواهند برد».

نیز مطالب عهدین گاهی در شناسایی اسرائیلیات که وارد حوزه احادیث اسلامی شده، ما را یاری می‌رساند؛ مثل آفرینش حواء از دنده چپ آدم که در روایات آمده است. علامه طباطبایی با استناد به مطالب مشابهی که در تورات وجود دارد، این حدیث را رد می‌کند.

منابع ادیان پیشین گاهی با مطالب قرآن مقایسه و مورد نقد قرار می‌گیرد. از آنجا که کتاب‌های آسمانی پیشین از دستبرد تحریف‌گران مصون نمانده است، لازم است در استفاده از این منابع دقت زیادی شود؛ از این‌رو، در تفسیر قرآن قاعده «ممنوعیت کاربرد اسرائیلیات در تفسیر» مطرح شده است.

ب) منابع تاریخی قبل از اسلام

این قسم از منابع برای شناخت سرگذشت افراد و اقوامی که قرآن از آنها یاد کرده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. قرآن همه داستان‌های تاریخی را در قصه‌ها نیاورده است، بلکه نکات هدایتی قصه‌ها را نقل کرده است؛ مثلاً از «ذی القرنین» نام می‌برد، ولی تمام ماجرای او را حکایت نمی‌کند. لازم است در این گونه موارد به منابع تاریخی مراجعه کنیم.

ج) منابع تاریخی عرب جاهلی معاصر اسلام

این قسم از منابع برای شناخت آداب، رسوم و فرهنگ عرب جاهلی که در فهم و تفسیر برخی آیات مؤثر است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. منابعی مانند *المفصل فی تاریخ العرب* از دکتر جواد علی و اشعار عرب جاهلی و نقل‌هایی که در شأن نزول‌ها و تفاسیر از فرهنگ و عادات عرب جاهلی شده است، می‌تواند در این مورد مفید باشد.

مثال: ﴿... وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (بقره / ۱۸۹).

قرآن کریم در این آیه دستور می‌دهد از پشت خانه‌ها داخل نشوید و نیکی آن است که از در خانه وارد شوید. چرا قرآن این مطلب بدیهی را تذکر می‌دهد؟ هنگامی که به منابع تاریخی مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که عرب جاهلی عادت داشت پس از آنکه برای حج احرام می‌بست، از در خانه وارد نشود، بلکه از سوراخ پشت خانه داخل شود.

د) تاریخ صدر اسلام

برخی وقایع تاریخی مثل جنگ‌ها، حوادث و .. در صدر اسلام اتفاق افتاده که در فهم و تفسیر آیات مؤثر است. برخی از این حوادث در شأن نزول‌ها و تفاسیر و روایات تاریخی صدر اسلام بیان شده است.

هـ) شأن نزول‌ها

اسباب نزول یا شأن نزول عبارت است از واقعهای که به خاطر آن یا همزمان با آن، آیه یا آیاتی نازل شده است. کتاب‌های *اسباب نزول* سیوطی و واقدی و برخی تفاسیر مثل *مجمع البیان* و *التبیان فی تفسیر القرآن* شیخ طوسی و کتاب *نمونه بینات در شأن نزول آیات* دکتر محقق از منابعی به‌شمار می‌آید که شأن نزول آیات را بیان کرده‌اند و بسیاری از شأن نزول‌ها در کتاب‌های تاریخی صدر اسلام نقل شده است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۳).

آنچه مهم است، نحوه استفاده از این منابع و میزان اعتبار آنهاست تا بتوان در تفسیر قرآن از آنها بهره برد. مهم‌ترین شرایط اعتبار منابع تاریخی برای تفسیر آیات قرآنی عبارت است از:

۱. قدمت منابع تاریخی؛ ۲. سازگاری با قرآن؛ ۳. سازگاری با شخصیت و سیره پیامبر ﷺ؛
۴. سازگاری با داده‌های عقل قطعی؛ ۵. در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی و مذهبی مورخان و راویان؛
۶. درستی جنبه ادبی متن (رضایی اصفهانی، همان، ۸۵/۱؛ بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۷۹: ۳۰۴-۳۰۶).

مبانی قرآنی حرکت تاریخ

از نظر قرآن کریم یک سلسله قضایای شرطی به عنوان «سنن الهی» بر تاریخ حکومت دارد که عدم آگاهی از آنها مانع فهم دقیق نگاه تاریخی قرآن می‌گردد. مهم‌ترین این قوانین بدین قرار است.

۱. هدفمند بودن حرکت تاریخ

از نظر قرآن نه تنها انسان، بلکه جهان و هرچه در آن هست به سوی هدفی معین و مشخص گام می‌سپارد و هیچ چیز بیهوده و بی‌هدف آفریده نشده است. قرآن کریم مسئله هدفداری جهان و انسان را با تأکید و اصرار فراوان مطرح می‌سازد و از کسانی که این حقیقت را قبول ندارند و جهان خلقت را بی‌هدف و عبث و باطل می‌پندارند، به شدت انتقاد می‌کند: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ (ص/ ۲۷)؛ «ما زمین و آسمان و آنچه در آنهاست را باطل نیافریدیم. این گمان کسانی است که کافرند. پس وای بر کافران از آتش!»

جامعه بشری نیز که جزئی از جهان هستی و مجموعه‌ای از افراد انسانی است، طبعاً باید هدفی داشته باشد. قرآن کریم این هدف را به روشنی ترسیم می‌کند و آن اینکه هدف نهایی در حرکت تاریخ بشری، پیروزی نیروهای حق بر نیروهای باطل و حاکمیت حق و عدل و مکتب پیامبران و حکومت صالحان است.

۲. آزادی انسان در ساختن جامعه

از نظر قرآن جامعه برای خود شخصیتی مستقل دارد و همچون فرد حرکت می‌کند و مرید می‌شود و جذب و دفع می‌کند و حتی مانند فرد متولد می‌شود، می‌زید و می‌میرد. طبق

این مبنا جامعه نیز مانند فرد در تعیین جهت و انتخاب هدف آزاد است و می‌تواند آگاهانه در ساختن تاریخ و تعیین سرنوشت و تغییر بنیادهای خود گام بردارد. این حقیقتی است که در آیات متعددی از قرآن کریم منعکس شده است: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل / ۱۱۲)؛ «و خداوند مَثَل می‌زند آبادی ای را که دارای امنیت و آرامش بود و روزی آن به وفور از هر جایی می‌آمد، پس به نعمتهای خداوند کفران نمود، پس خدا به آن لباس گرسنگی و ترس را پوشانید و این به سبب کارهایی بود که انجام داده بودند».

طبق مفاد این آیه، پیدایش گرسنگی، ترس و ناامنی در جامعه‌ای که تا دیروز در رفاه و امنیت کامل به سر می‌برد، به سبب بی‌اعتنایی و کفرانی است که نسبت به نعمتهای خدا کرده‌اند و این تغییر حالت، نتیجه کارهایی است که خود انجام داده‌اند، بنابراین، انحطاطی که برای یک جامعه پیش می‌آید با کارهایی که مردم آن را آزادانه انجام می‌دهند، رابطه علی دارد و هیچ جامعه‌ای کوبیده نمی‌شود مگر به سبب رفتار و کرداری که از مردم آن سر می‌زند. این حقیقت در آیه دیگری به این صورت بیان شده است:

﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ (رعد / ۳۱)؛ «محققاً برای کسانی که کافر شده‌اند به سبب اعمالی که انجام داده‌اند، بلاى کوبنده‌ای می‌رسد و یا نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید تا وعده خدا فرا رسد که خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند».

۳. پیامبران معماران بزرگ تاریخ

بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیلگران تاریخ بشری در بررسی سیر تحولات جوامع و تقسیم‌بندی‌هایی که در این زمینه به عمل آورده‌اند، معمولاً از یک حقیقت بزرگ که بر تمام حوادث تاریخی سایه انداخته و در شکل‌گیری بسیاری از جوامع بشری نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است، غفلت کرده‌اند و آن، نقش بسیار مهم و سرنوشت‌ساز پیامبران در تاریخ است؛ بدین‌سان دچار خطایی شده‌اند که کمترین ضرر آن از دست دادن کلید فهم بسیاری از رویدادهای تاریخ بشری است (جعفری‌نیا، تاریخ اسلام از منظر قرآن، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۱؛ صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۷۱).

قرآن کریم با تأکید فراوان، این حقیقت را خاطر نشان می‌سازد که انبیا همه یک هدف را تعقیب می‌کردند و با اینکه بعضی از آنان بر بعضی دیگر برتری و فضیلت داشتند، در هدف ابدا فرقی میان آنها نبود:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ﴾ (نساء/ ۱۵۲)؛ «و کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آورده‌اند و در میان هیچ‌کدام از آنان تفاوت نمی‌گذارند، به زودی خداوند پاداش‌های آنان را خواهد داد».

۴. سنت‌های الهی عامل محرک تاریخ

قرآن کریم هرگونه تغییر و تحوّل را که در جوامع بشری به وجود می‌آید، به سنت‌های الهی نسبت می‌دهد و متذکر می‌شود که هیچ‌گونه تحوّل در خارج از این سنت‌ها اتفاق نمی‌افتد. همچنین خاطر نشان می‌سازد که سنت‌های الهی تغییرناپذیر است و این سنت‌ها بر کلّ تاریخ بشری در گذشته، حال و آینده حاکمیت دارد.

﴿سُعَةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُعَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (احزاب/ ۶۲)؛ «این سنت خدا است در مورد گذشتگان و در سنت خدا هیچ‌گونه تغییری نخواهی یافت».

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سَعَتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسَعَتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسَعَتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر/ ۴۳)؛ «آیا آنان جز سنتی را که حاکم بر پیشینیان بود، انتظار دارند؟ پس در سنت خدا هیچ‌گونه تغییری نخواهی یافت و در سنت خدا هیچ‌گونه دگرگونی نخواهی یافت».

به طوری که از آیات مشابه دیگر به دست می‌آید، پیدایش و زوال تمدن‌ها و به طور کلی هرگونه تغییر و تبدیل در جوامع بشری نمی‌تواند خارج از چارچوب سنت‌ها، نوامیس و قوانین جاری الهی اتفاق بیفتد.

سنت‌های مورد نظر قرآن عبارت است از قوانینی که از ترکیب غرائز، عواطف، فکر و اندیشه و عملکرد انسان و نحوه ارتباط او با جهانی که در آن زندگی می‌کند، به دست می‌آید که طبعاً همه عوامل اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی موجود در روابط انسان‌ها را دربر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، سنت‌های الهی یک سلسله قضایای شرطی هستند که در صورت وجود شرط یا سبب، وجود جزا یا مسبب نیز حاصل خواهد شد. این قضایای شرطی از طبیعت زندگی انسان و ارتباط او با جهان پیرامونش استخراج می‌شود؛ برای مثال، وجود ظلم و تجاوز

در هیئت حاکمه یک جامعه، سقوط آن را به دنبال خواهد داشت یا گسترش راحت‌طلبی و رفاه در زندگی و خو گرفتن مردم به عیش و نوش، قدرت دفاعی آنها را در مقابل دشمن تضعیف خواهد کرد و در صورت تهاجم دشمن، تاب مقاومت نخواهند داشت یا اختلاف طبقاتی فاحش در یک جامعه که باعث قوی‌تر شدن ثروتمندان و گرسنه‌تر شدن محرومان باشد، یک انقلاب داخلی را در پی خواهد داشت.

اینها نمونه‌هایی است از سنت‌ها و نوامیس الهی که تغییرناپذیر است و بدون تردید، در صورت وقوع شرط یا «مقدم»، جزا یا «تالی» نیز واقع خواهد شد (جعفری‌نیا، تاریخ اسلام از منظر قرآن، ۱۳۸۴: ۲۳).

یا مثلاً زیر پا گذاشتن ارزش‌های معنوی و تکذیب انبیا و تعالیم آنان در میان یک قوم، هلاکت نهایی آن قوم را به دنبال خواهد داشت. این سنتی است که قرآن کریم روی آن تأکید فراوان دارد: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَعَا اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَهْوَائُهُمْ﴾ (محمد/ ۱۰)؛ «آیا در روی زمین سیر نکردند تا سرانجام کسانی را که پیش از آنان بودند ببینند که خداوند آنان را کوبید؟ و برای کافران مانند آن اتفاق خواهد افتاد».

به طور کلی، می‌توان سنت‌های الهی را به یک اصل کلی و یک قاعده عمومی برگشت داد و آن اینکه هرگاه جامعه امکانات و توانایی‌های خود را در مسیری که از جانب خدا و به وسیله پیامبران تعیین شده است، قرار دهد و خود را با عالم هستی که خواه و ناخواه در برابر خدا خضوع دارد، منطبق سازد و بین خود و اراده الهی رابطه ایجابی برقرار کند و بالاخره مسئولیت خود را در برابر حق بشناسد، چنین جامعه‌ای صعود می‌کند و قابلیت بقا می‌یابد. در مقابل، اگر جامعه‌ای با اراده الهی رابطه سلبی داشته باشد و امکانات خود را نه در راه رسیدن به تکامل انسانی، بلکه در راه هوس‌های زودگذر قرار بدهد، چنین جامعه‌ای دیر یا زود تاوان این انحراف از مسیر حق را خواهد داد و دچار سرنوشت شومی خواهد شد.

نتیجه

۱. قرآن در مسیر هدایت و تربیت انسان‌ها از مسائل تاریخی گوناگونی به عنوان یک ابزار خوب استفاده کرده است.

۲. اگر چه از زمان نزول قرآن به اسباب و شأن نزول آیات و مکی و مدنی بودن آیات توجه شده است، این مقدار برای تفسیر تاریخی دقیق قرآن کافی نیست.

۳. مباحث تاریخی قرآن به طور کلی پیرامون سه موضوع مهم می‌باشند: یک - پیامبران گذشته و امم پیشین، دو - جامعه جاهلی قبل از اسلام، سه - پیامبر اسلام ﷺ و جامعه اسلامی.

۴. در زمینه تفسیر تاریخی دو رویکرد مهم وجود دارد: یک - توضیح و تفسیر آیات تاریخی قرآن به شکل سنتی در اغلب تفاسیر که این روش خوب ولی کافی نیست. دو - نگاه تاریخی محض به آیات قرآن و تکیه بر ترتیب نزول برای تفسیر که دارای آفاتی است از جمله اینکه مفاهیم قرآنی را محدود به زمان و مکان نزول می‌کند.

۵. بهترین و جدیدترین روش تفسیر تاریخی قرآن، استنباط و نظام و مکتب تاریخی قرآن می‌باشد. این روش دارای مقدمات و مبانی مهمی از جمله شناخت سنت‌های تاریخی در قرآن، نگاه هدایتی و تربیتی داشتن به آیات تاریخی قرآن، استفاده از منابع معتبر تاریخی و توجه به تحریفات و خطاهای احتمالی این منابع است.

نتیجه نوشتار در زمینه تفسیر تاریخی قرآن، نظریه‌پردازی در این زمینه است که با توجه به مبانی مذکور در متن، روش‌های تفسیری و استفاده از منابع تفسیری و تاریخی معتبر، قابل دسترسی خواهد بود. استخراج مبانی مهم حرکت تاریخ از منظر قرآن، سنت‌های الهی در زندگی بشر و ساختن آینده تاریخ بشریت بر اساس این سنت‌ها از نتایج مهم تفسیر تاریخی قرآن می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹ ش.
۳. بابایی، علی اکبر، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۴. بیومی مهران، محمد، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه سید محمد راستگو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۵. جعفری نیا، یعقوب، تاریخ اسلام از منظر قرآن، قم: نشر معارف، ۱۳۸۴ ش.
۶. جعفری نیا، یعقوب، بینش تاریخی قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۶ ش.
۷. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحديث، القاهرة: دار احیا الکتب العربیه، ۱۳۸۳ ق.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۹. راغب اصفهانی، المفردات لالفاظ القرآن الکریم، تحقیق عدنان داوودی، قم: طلعه نور، ۱۴۲۸ ق.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. صدر، سید محمد باقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.

۱۳. فائق العبيدی، خالد، الآثار و التاريخ، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۱۴. فؤاد عبدالباقی، محمد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۰ق.
۱۵. گواهی، عبدالرحیم، درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران: صدرا، ۱۳۸۹ش.
۱۹. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ش.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.
۲۱. مؤدب، سید رضا، روش های تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۰ش.
۲۲. مؤدب، سید رضا، مبانی تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۲۳. نکونام، جعفر، «تفسیر تاریخی قرآن»، مجله پژوهش های دینی، شماره ۱۹، پائیز و زمستان ۱۳۸۸ش.
۲۴. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، قم: نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.